

هو الله

ای حبیب روحانی چند مکتوب است که ارسال میشود و جواب هیچیک نرسیده است و این عبد نیز از قضایای الهیه چندی بود که ناخوش بودم تا آنکه بجهت تبدیل هوا به بیروت رفته بودم و در این روزها مراجعت نموده‌ام و الآن نیز در سه فرسخی عکّا در قریهٔ یرکا که در جبل واقعت خیال چنان است که چندی مسکن نمایم
حمد محبوب عالمینرا که نقاهت رفع شده است ولکن قدری ضعف باقیست و از هر جهت عنایات الهیه احاطه نموده است ملالی جز بعد از مشاهدهٔ آنجناب نبوده و نیست جمیع مهاجرین و مجاورین و مسافرین کل در ظلّ الطاف بینهایت حقّ مستریح و بذکر آنجناب مشغولند

از ایران حوادث جدیدی نه جز آنکه میر محمد حسین امام جمعهٔ سابق اصفهان در منتهای ذلت به اصفهان آمده و کار بقسمی بر آن غافل ظالم تنگ شده است که خیال مجاوری کربلا را نموده است و املاکی که از برایش باقی مانده است در فکر فروشش هست که بکلی قطع علاقه نماید و شاه دو دستخط بجناب میرزا اسمعیل داده است که مبلغ هفده هزار تومان مطلوب شهیدین مظلومین را از آن ظالم تحصیل نمایند و شاهزاده بحق مبارک و روح حضرت اعلیٰ قسم خورده است که کمال همت را در این خصوص مبذول خواهد داشت و در جمیع جهات احبّا در منتهای راحت و آسایش بوده‌اند و انشاءالله عنقریب از اصفهان آدم میآید و حوادث و کیفیت احوال بازماندگان آنجناب را بتفصیل عرض خواهم نمود جناب میرزا جلال و جمال و کمال را بتکبیر ابدع ابهی تبلیغ فرمائید

عباس

مورّخهٔ ۱۵ رجب سنهٔ ۱۲۹۷